

تحلیل جامعه‌شناختی نظام ارزشی دین اسلام

محمدحسین پوریانی^۱

چکیده:

نظام ارزش ها، راهنما و تعیین کننده گرایش های اجتماعی، ایدئولوژی ها، رفتار و کنش اجتماعی است که در آداب و رسوم، قوانین، اعتقادات و شیوه های زندگی روزمره تجلی می یابند. ازسوی دیگر ارزش های دینی یکی از عوامل مهمی است که بخشی از ارزش های اجتماعی را ایجاد می نماید و نظام ارزشی ایجاد شده توسط دین، رفتارهای فردی را جهت و هدایت می کند و حتی علت رفتار و طرز فکر افراد را برای ما روشن می کند. مقاله حاضر با روش اسنادی و رویکرد جامعه شناختی در صدد تبیین نظام ارزشی دین اسلام با تعامل بین ارزش های دینی و ارزش های اجتماعی و عوامل کسب نظام ارزش ها و در نهایت سازوکارهای نظام ارزشی اسلام پرداخته شد.

واژگان کلیدی:

نظام، نظام ارزشی، نظام ارزشی دین، ارزش های اجتماعی، ارزش های دینی

طرح مسأله:

ارزش ها نقش اساسی در تبیین، کنترل، هدایت، نظارت و پیش بینی کنش در نظام

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

را دارند و عنصری بنیادین در نظام فرهنگی به شمار می‌روند. تا جایی که بیشتر نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و به خصوص جامعه‌شناسان به بررسی و شناسایی نظام ارزشی در اجتماعات بشری پرداخته‌اند و به لزوم بررسی آن به منظور پیش بینی و تبیین پدیده‌های بشری و کنش‌هایشان توجه داشته‌اند. در این میان می‌توان از دورکیم با مبحث وجدان جمعی و همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و نظام ارزشی هر یک از آنها، پارسنز با بحث از نظام فرهنگی که از طریق ارزش‌ها و هنجارها به سایر خرده نظام‌های کنش نظارت - کنترل می‌کند و اطلاعات می‌رساند و از طریق همان‌ها به تبادل اطلاعات در بین سایر خرده نظام‌ها و سایر نظام‌های اجتماعی (جوامع) می‌پردازد، وبر با بحث ارزش‌های سنتی در برابر ارزش‌های عقلانی و کنش و اقتدار مربوط به هر یک و جانی اینگلهارت و هابرماس با مبحث از بحران مشروعیت‌ها. با ارائه مدل علمی الگو مانند، از نظام ارزشی جامعه و ابعاد تشکیل‌دهنده آن و میزان دخالت هر بعد نسبت به سایر ابعاد در نظام ارزشی بیان شده می‌توان به یک بینش و دید کلی درباره اذهان و دید افراد جامعه نسبت به پدیده‌ها و مطلوبیت‌ها رسید.

از سوی دیگر هر یک از ابعاد نظام ارزشی، نمایانگر تأثیر عواملی چند، درباره ارزش دانستن آن از سوی تعدادی از افراد جامعه است که با بازیابی و میزان تأثیر آنها و احتمالاً یافتن روابط علی و معلولی میان آنها، می‌توان به تعیین رابطه، حذف عوامل بحران‌زا در نظام ارزش و تزریق عوامل منسجم‌کننده و وحدت‌بخش نظام ارزشی پرداخت. دین با زندگی انسان‌ها در هم آمیخته‌اند. دین پیوستگی‌های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت آنان کمک می‌کند، ازدیاد می‌بخشد، چون ارزش‌ها که زیرساخت الزام اجتماعی هستند در بین گروه‌های دینی مشترکند. جامعه‌شناسی دین به بررسی رفتار دینی گروه‌ها با مطالعه تعامل انگیزه‌ها و الزامات دینی با نهادهای مختلف اجتماعی می‌پردازد و اساساً تصور بر این است که جامعه‌شناسی دین با دو مسئله سر و کار دارد. که مبنای شکل‌گیری آن را توجیه می‌کند: یکی این که چرا باورداشته‌ها و عمل کردهای مذهبی، صورت‌های گوناگونی به خود می‌گیرند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳).

اهمیت چنین تحقیقاتی در حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی ارزش‌ها از آن

روست که جامعه ما در مرحله گذار به مرحله صنعتی قرار دارد و از نوعی دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی افراد رنج می‌برد که این امر در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد، به ویژه جوانان و نوجوانان، بی‌تأثیر نبوده است. از طرف دیگر، دین با جنبه‌های زندگی گوناگون مردم جامعه ما هم در آمیخته است و می‌توان تأثیر آن را در همه جوانب دید. به لحاظ دیگر این که کشور ما در حال حاضر به شکل یک حکومت دینی اداره می‌شود که ترکیب دین و ارزش‌ها و سیاست می‌تواند تأثیرات زیادی بر جنبه‌های زندگی مردم به خصوص نسل جوان بگذارد.

مفهوم نظام:

وقتی ما صحبت از یک نظام اجتماعی^۱ می‌کنیم، لغت «نظام» به معنی یک پیوند و ارتباط منظم بین اعضاء جامعه است. هرچه این پیوند قوی‌تر باشد، کارائی و کارکرد آن نظام برای ارضای نیازهای اعضاء جامعه‌اش بیشتر است. از آنجا که قوی‌ترین پیوندهای اجتماعی از طریق مذهب بوجود می‌آید مذهب و نظام مذهبی به عنوان یک رکن اصلی برای تنظیم روابط در بین انسانها در هر نظام اجتماعی است. بنابراین تضعیف مذهب یک جامعه، چه از سوی برخی از دارندگان موقعیت‌های مذهبی از طریق رفتار نامناسب (مثلاً دنیاپرستی، سودجویی) و چه از طریق برخی از قواعد نامناسب، و بالاخص از جانب نیروهای مخالف آن مذهب، به معنی تضعیف پیوندهای اجتماعی (نظیر ملاحظات اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، ایثار، انسجام، اخلاق، صداقت...) است. در جامعه به نظر می‌رسد همه عوامل فوق، کم و بیش در تضعیف نقش مذهب در جامعه مؤثر بوده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۸).

بدین ترتیب در تعریف «نظام» می‌توان گفت «مجموعه‌ای از عناصر تأثیرگذار بر یکدیگر، برای ایفای کارکردی مشخص است که هر یک از آنها به اندازه مشخص و به حسب اهمیت و میزان تأثیر آن در درون سیستم، سهم هستند» (محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۵).

نظام ارزشی:

نظام ارزشی عبارت از مجموعه گرایش‌های مربوط به هم است که در شکل یک بنای پلکانی نظم می‌یابد. روکیچ معتقد است: نظام باور - ناور، نظامی دربرگیرنده گرایش‌ها و ارزش‌ها و نظام ارزش‌ها، به شمار می‌آید وی نظام ارزش‌ها را چنین تعریف می‌کند: نظم‌دهی باورها که به ثبات نسبی توصیف می‌شود و ترجیح دادن هدفی از هدف‌های وجود یا شکلی از اشکال رفتار رساننده به این غایت را با خود دارد و آن، در پرتو آن چیزی است که نمایانگر اهمیت در ارتباط با فرد است.

نظام ارزشی دین:

مسلک‌ها و اسطوره‌ها، قبل از هر چیز دیگر مشخص‌کننده نظام‌های ارزشی هستند. هر جامعه از نیک و بد، دادگری و بیدادگری، درست و نادرست تعریفی دارد که مجموع آنها نظام ارزشی آن جامعه را تشکیل می‌دهند. این تعاریف خود جزیی از باورها هستند. زیرا مفاهیم نیک و بد، عادلانه و ناعادلانه از تجربه حاصل نمی‌شوند، بلکه ناشی از ایمان به این مفاهیم و گرویدن ارادی مردم به آنها می‌باشد. لذا یا جنبه ایدئولوژیک دارند یا جنبه اسطوره، عملاً همه مسلک‌ها، حتی آنهایی که می‌خواهند عینیت داشته باشند نوعی نظام ارزشی هستند. اساطیر نیز برحسب طبیعت و ماهیت خود جزء نظام ارزشی‌اند.

اگرچه همه پدیدارها و فعالیت‌های اجتماعی ارزش‌بندی نشده‌اند، بسیاری از آنها در دایره ارزش‌ها وارد گردیده‌اند. در برخی از قلمروها، به ویژه قلمروهای مذهبی، خانوادگی و به ویژه سیاسی، ارزش‌بندی به طور کلی‌تر و عمیق‌تری از سایر قلمروها انجام پذیرفته است.

ارزش‌ها، پایه و اساس بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند و در انتخاب، گزینش و انجام کنش نقش دارند و تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین، اعتقادات و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند. ارزش‌ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نبوده و در مجموعه‌ای جای دارند که «نظام ارزشی» نامیده می‌شود. نظام ارزشی، سازمان‌پایداری از عقاید است که با شیوه‌های قابل

ترجیحی از کنش یا حالت‌های غایی وجود، ارتباط دارند و در پیوستاری که براساس اهمیت نسبی مرتب شده، قرار می‌گیرند.

نظام ارزشی تشکیل دهنده نظام ارزشی فرهنگی است که عملاً بر مبنای مجموعه‌ای منطقی از ملاک‌های ارزیابی، شامل تفاوت‌های ارزشی صریح و ضمنی و رفتارهای مرتبط با ارزش قرار دارد. بنابراین نظام ارزشی از ارزش‌های صریح و ضمنی، مثبت و منفی که در قضاوت‌های ارزشی و رفتارهای شفاهی و غیرشفاهی مستتر هستند، تشکیل می‌شود (Albert, 1972: 288).

بدین ترتیب تعریف میلتنون روکیج از نظام ارزشی که عموماً به مثابه تعریف مرجع در منابع مختلف تلقی می‌شود، دلالت بر این دارد که برخی از ارزش‌های فرد نسبت به برخی دیگر از آن‌ها مهم‌تر است. به عبارت دیگر، وی نظام ارزشی را سازمان‌پایداری از باورهای مرتبط ترجیح داده شده ابزاری یا غایی می‌داند که براساس اهمیت نسبی، رتبه‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب نظام ارزشی از درونی‌ترین لایه‌های شخصیت و نیروی محرکه و جهت‌دهنده رفتارهای فرد است و به همین دلیل در چگونگی نگرش اعضای جامعه اهمیت فراوان دارد. از آنجا که در جامعه ایران و فرهنگ

عمومی ما در مورد نظام ارزشی و ترجیح‌ها و شدت ارزشی افراد جامعه حساسیت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهد. شناخت ویژگی‌های اسلام از نظر اعتقادی، به دلیل گستردگی دامنه آن بسی دشوار است. در اینجا، مهم‌ترین ویژگی‌های دین مبین اسلام را از منظر آیات و روایات، بیان می‌نماییم:

۱- (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ)^۱

۲- (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^۲

۳- (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

۱. آل عمران (۳): ۱۹.

۲. آل عمران (۳): ۸۵.

الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^١

۴- (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...)^٢

۵- (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ)^٣

۶- (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)^٤

۷- (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...)^٥

۸- (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)^٦

۹- (... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)^٧

۱۰- (... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...)^٨

۱۱- (... الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...)^٩

۱۲- (وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ

۱. الروم (۳۰): ۳۰.

۲. الحديد (۵۷): ۲۵.

۳. آل عمران (۳): ۶۴.

۴. الأعراف (۷): ۱۵۸.

۵. البقرة (۲): ۱۴۳.

۶. الأحزاب (۳۳): ۴۰.

۷. المائدة (۵): ۶.

۸. البقرة (۲): ۱۸۵.

۹. المائدة (۷): ۳.

اللَّهُ إِلَيْكُمْ...)^۱

۱۳- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمٌ سَلَامَةٌ وَجَمَاعٌ كَرَامَةٌ، اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُجَهُ وَبَيَّنَّ حُجَجَهُ، مِنْ ظَاهِرِ عِلْمٍ وَبَاطِنِ حُكْمٍ، لَا تُفَنِّي غَرَابَتَهُ وَلَا تُفَضِّي عَجَابَتَهُ.^۲

۱۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ: لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ، إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ.^۳

۱۵- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَّاعِ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُمْ عَنْهُ.^۴

۱۶- عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمْ يُرْسَلِنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ.^۵

۱۷- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَيْهِ...: أَنَا وَجَدْنَا كُلُّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ وَلَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَوَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ وَوَجَدْنَا مُفْسِدًا دَاعِيًا إِلَى الْفَنَاءِ وَالْهَلَاكِ.^۶

۱۸- دین و دین داری حیات انسان و جامعه می شود. چنان که خداوند در قرآن می فرماید: یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم) انفال/ ۲۴ «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.»

۱. القصص (۲۸): ۷۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۹.

۴. پیشین، ج ۲، ص ۷۴.

۵. پیشین، ج ۵، ص ۴۹۴.

۶. بحار الانوار، ج ۶، ص ۹۳.

بدین ترتیب جامعه دارای واقعیتی است و آثار خاص به خود را نیز دارد (حال خواه به جهت افرازش و خواه به اینکه وجود خاصی دارد) بدیهی است هر اجتماعی ناچار دارای یک هدف و غرضی است و هدف جامعه اسلامی، سعادت حقیقی و قرب و منزلت پیدا نمودن نزد خداوند که کمال مطلق است، می باشد.

اسلام با این فرهنگ و ارزش های مشترک خود بزرگترین نقطه قوت ماست و ما اعتقاد داریم که اسلام دینی است جهانی، (الهی) انسانی و اصیل و اعتقاد و ایمان به خدای یگانه و واحد و اعتصام همگانی به آن، جامعه ما و ملت های مسلمان بالاترین ضامن بقا و رشد، ماست. باید از نعمت قرآن و اسلام درست استفاده کنیم، آن را بشناسیم و از آن بهره بگیریم.

اسلام در طول تاریخ با بد عمل کردن ما به انحطاط کشیده شده به انواع انحرافات و خرافات آمیخته شده، آن چیزی، که بدان آگاهی پیدا کردیم، واقعاً اسلامی اصیل، انسان ساز، تاریخ ساز و جامعه ساز است. فرهنگ اسلامی، مکتبی که حاوی اصیل ترین ارزش ها و اصول است، می تواند انسان ها را وادار به عمل و پیشرفت کند.

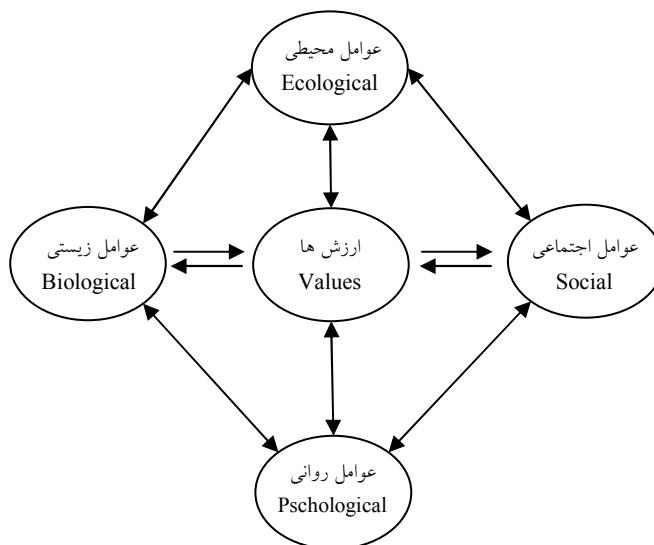
عوامل کسب نظام ارزش ها:

موریس عوامل کسب نظام ارزش ها را به سه دسته اساسی تقسیم می کند که عبارت است از:

دسته اول: عوامل محیطی و اجتماعی، که به کمک آن تفسیر وجوه مشابه و اختلاف افراد در پرتو اختلاف عوامل تأثیرگذار محیطی و اجتماعی ممکن می گردد.

دسته دوم: عوامل روانی، که متضمن جنبه های متعدد است، نظیر ویژگی های شخصی و نقش آن در تعیین رویکردهای ارزشی افراد.

دسته سوم: عوامل زیستی، که شامل صفات و ویژگی های جسمانی مانند طول و وزن و تغییرات این ویژگی ها و به همراه آن تغییرات در ارزش ها می باشد (موریس، ۱۹۵۶: ۶۸).



نمودار شماره ۱: عوامل کسب ارزش‌ها

سازوکارهای نظام ارزشی اسلام:

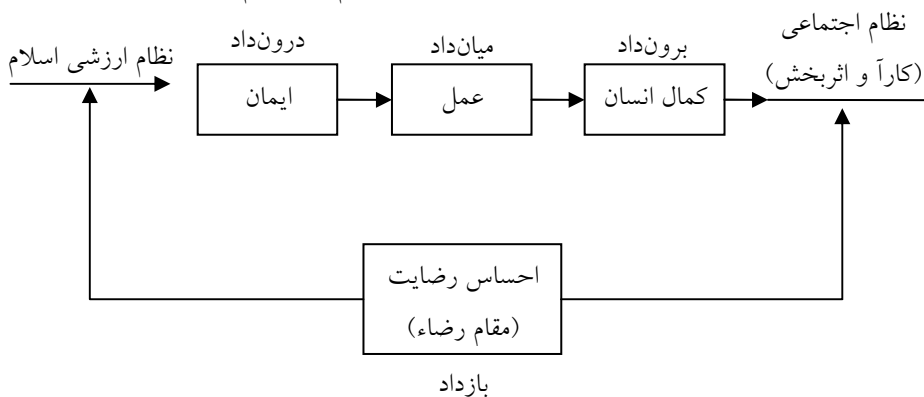
در اینجا لازم است دیدگاه نظام ارزشی اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. باید توجه داشت که نظام ارزشی اسلام در تعیین هر یک از اهداف و حدود آنها، یک سری باورها و دستوراتی دارد. برای مثال، تشکیل خانواده و ازدواج خود نوعی ارزش اسلامی است و در سیمای روایات، شخصی که اقدام به ازدواج نماید، حافظ نیمی از دین خود معرفی می‌شود و بدین‌گونه جوانان ترغیب به این امر مقدس می‌گردند و هم‌چنین در خصوص تشکیل خانواده، دین مبین اسلام دستورات و توصیه‌هایی دارد که در کتب فقهی مطرح شده است (آقاپیروز، ۱۳۷۹: ۴۹).

بر این اساس، با فرض تبیین دیدگاه‌های اسلام و مشخص شدن حدود و ثغور هر یک از اهداف و عمل بر طبق فرامین و دستورات اسلامی در جامعه دینی، باز هم مشکلی به نام تعارض اهداف فردی با اهداف جمعی نخواهد بود. زیرا هیچ تفاوتی میان باورها و دستورات دینی متصور نیست از این‌رو در این نظام نه تنها مغایرتی میان اهداف فرد و جمع نیست که حتی اهداف جمع در واقع، اهداف فرد نیز می‌باشد. برای مثال به دلیل آنکه اسلام روی کیفیت کار نظر دارد و به اتقان و استحکام آن توصیه کرده، کیفیت کار،

هدف جمع و هدف فرد است و مسلمان که در آن جمع اشتغال دارد زیرا چنین هدفی خود ارزش است. بنابراین در جامعه اسلامی خود این اهداف، می‌توانند ارزش مکتبی داشته باشند اما باید توجه داشت که «نظام ارزشی اسلام، نظام خدا محور است، محور تمامی ارزش‌ها خدای متعال و قرب به اوست».

با روشن شدن نقش باورها و ارزش‌های اسلامی بعنوان عاملی قوی در خود کنترلی جامعه، ساز و کار ایجاد خود کنترلی نیز خود به خود آشکار می‌گردد و آن عبارت است از: تقویت ایمان و ترویج ارزش‌های اسلامی. ارزش‌های اسلامی که خود کنترلی یا تقوای کاری یکی از آنهاست، در واقع حکم شاخ و برگ‌های درخت تنومند اسلام را دارند که ریشه آنها، اصول دین و یا همان باورهای اساسی است که پشتوانه عملی نظام ارزشی اسلام (بایدها و نبایدها) نیز هست. به هر میزان که باورها (ایمان به خدا، قیامت، حساب رسی، بهشت و دوزخ) در افراد قوی‌تر باشند ارزش‌ها نیز از قوت و ضمانت بالاتری برای عمل برخوردار خواهند بود. براین اساس، اصلی‌ترین گام، تقویت ایمان و یا باورهاست و می‌بایست در درجه اول آن را در افراد پرورش داد.

در نظام ارزشی اسلام، ایمان، عمل و کمال انسان به ترتیب به عنوان ورودی، میان داد و خروجی نظام در سه بعد ارتباط با خدا، انسان و جامعه مطرح می‌باشد. باز داد و نظام نیز حالت رضا و خشنودی است که با انجام ابعاد عملی ایمان و عمل صالح در فرد یا جامعه احساس می‌گردد. نمودار زیر نمایشگر تصویری کلی از نظام در اسلام است.



نمودار شماره ۲: نظام کلی سیستم ارزشی اسلام در نظام اجتماعی

در این نظام میزان تعهد و پایبندی افراد و جوامع به ایمان و عمل صالح، معیاری برای درجه‌بندی آنها به شمار می‌آید. در واقع ایمان و عمل صالح مبنای معیار درجه‌بندی بهره‌وری افراد و جامعه می‌باشد. میزان کارایی و اثربخشی افراد یا جامعه بسته به میزان تعهد و پایبندی آنها به ایمان و عمل صالح تعیین می‌گردد. یعنی افزایش یا کاهش بهره‌وری در افراد یا جامعه بستگی به شدت و ضعف تعهد و پایبندی آنها به ایمان و عمل صالح دارد. هر چه درجه ایمان و عمل صالح در افراد یا جامعه افزایش یابد، بهره‌وری آنها نیز افزایش می‌یابد. پس اگر اعضای جامعه از عالی‌ترین درجات ایمان و عمل صالح برخوردار گردند، در بالاترین سطح از بهره‌وری قرار خواهد گرفت.

بنابراین بطور خلاصه می‌توان در خصوص نظام ارزشی اسلام چنین گفت:

- ۱- اسلام یک دین الهی است که با بکار بستن دستوراتش، زمینه سعادت و پویایی انسانها در دنیا و آخرت تأمین شده و افراد به کمال مطلوب رهنمون می‌گردند.
- ۲- مکتب اسلام برخلاف مکاتب غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی دخالت و نظارت دارد.
- ۳- مبانی ارزشی اسلام از هیچ نکته‌ای ولو ناچیز که در تربیت انسان، و جامعه نقش دارد و باعث پیشرفت مادی و معنوی آنها می‌گردد، فروگذاری ننموده است.
- ۴- با اجرای کامل مبانی ارزشی اسلام نمی‌توان موانع و مشکلات سر راه تکامل افراد جامعه را گوشزد و سپس مرتفع نمود.
- ۵- در مکتب اسلام فعالیت‌های انجام شده توسط افراد زمانی ارزشمند است که در چارچوب مبانی ارزشی اسلام باشد.
- ۶- ایمان و عمل صالح شاخص‌ترین مبانی ارزشی اسلام است و سعادت و خوشبختی بشر مرهون عمل به این ارزش‌هاست.
- ۷- در سیستم ارزشی اسلام، ایمان، عمل و کمال انسان به ترتیب به عنوان ورودی، میان‌داد و خروجی سیستم مطرح می‌باشند. بازداد سیستم نیز حالت رضا و خشنودی است که با انجام ابعاد عملی ایمان و عمل صالح در فرد یا جامعه احساس می‌گردد.
- ۸- مبانی ارزشی اسلام به تنهایی عامل سعادت و کمال انسان نیست، بلکه ارزش و

- اعتبار آن به فراگیری صحیح مبانی و معیارهای ارزشی و عمل به آنهاست.
- ۹- وجود مقدس پیامبر(ص) و ائمه معصومین به عنوان کامل‌ترین انسانهای روی زمین، مبنا و سنجش درجه کمال و الگو و اسوه افراد جامعه می‌باشد.
- ۱۰- انسان کامل از دیدگاه اسلام، انسانی است که همه ارزش‌های اسلامی را به طور یکنواخت و در حد اعلی داشته باشد.
- ۱۱- گوهر اسلام علاوه بر بُعد فردی دارای بُعد جمعی علاوه بر تجلی باطنی و درونی دارای جلوه ظاهری و برونی است.
- ۱۲- گوهر اسلام علاوه بر غیب گرا و عقباگرا داعیه پیراستن و آراستن مظاهر دنیوی مردم نیز است.

تعامل دین و ارزش‌ها:

ارزش در مفهوم دینی آن همان اخلاق دینی است که مبتنی بر باید و نبایدهایی است که ریشه در دین دارد و به رفتاری اطلاق می‌شود که مورد تأیید دین است، ارزش و رفتاری که تأیید دینی ندارد، ضد ارزش تلقی می‌شود. گاه آداب و رسوم و رفتاری از سوی جامعه پذیرفته می‌شود که منافعی با دین نیست بنابراین ضد ارزش هم قلمداد نمی‌شود. برای تعریف ارزش از دیدگاه اسلامی باید به قرآن و سنت و عالمان دینی رجوع شود و قبل از آن تعریف کاربردی از انسان و ابعاد وجودی او ارائه گردد.

از دیدگاه اسلام انسان یک موجودی دو بعدی است که با رشته ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و یا عناصر مادی و معنوی آفریده شده، از یک سو خلیفه خدا روی زمین است و کرامت دارد و از سوی دیگر ظلوم و جهول و ناسپاس و سرکش و آزمند است. داشتن اخلاق حسنه و تخلق به اخلاق الهی که منابع آنها در قرآن، سنت، عقل و اجماع است، ارزش به حساب می‌آید «بسیاری از آداب و سنن در فقه اخلاق و مشترکاً مورد بحث واقع می‌شود ولی این گونه اشتراک دلیل بر تداخل و تکرار نیست زیرا حیثیت بحث در هر یک از این دو علم تفاوت دارد، چون موضوع بحث در فقه افعال مکلفان از حیث تکلیف و تشخیص وظیفه و تحدید حدود و حقوق افراد است ولی در علم اخلاق موضوع اصلی

ارزش‌های والای اخلاقی و فضایل انسانی است (مهدوی کنی، ۱۳۷۴: ۱۱) در تعبیری وسیع و گسترده باید گفت که واجبات و مستحبات چه پذیرش عام داشته باشند و چه نداشته باشند، در یک جامعه دینی ارزش دینی به حساب می‌آیند. اگر معتقد به اصل ارزش بوده واجبات دینی به شرط مقبولیت عام باشیم، باز به دیدگاه جامعه‌شناسی نزدیک شده‌ایم لیکن ارزش را از دیدگاه دینی تعریف نکرده‌ایم هرچند در خیلی از موارد این دو ملازمند (طالیان، ۱۳۸۰: ۸۰).

ارزش در اسلام عبارت از هر آنچه که از دیدگاه اسلامی دارای اهمیت است. اعم از بینش‌ها و گرایش‌ها، ارزش‌ها، مفاهیم، نگرش و انگیزه‌های ژرف و کنترل‌کننده احساسات، اندیشه، گفتار، رفتار و کردار انسان می‌باشد. رعایت ارزش‌های اخلاقی راه رسیدن به کمال است. ارزش فعل اختیاری انسان تابع تأثیری است که این فعل در رسیدن انسان به کمال حقیقی دارد. هر اندازه کار و فعل اختیاری انسان در کمال انسانی مؤثر باشد، ارزش مثبت خواهد داشت و اگر تأثیر منفی دارد، ارزش منفی خواهد داشت (علی احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

پیش‌فرض دین این است که ما تا حدی خود را می‌شناسیم و از نیازها و آرمانهای خود مطلع هستیم، دین این فهم ما را با تعلیم این امر که انسان عهدی آغازین با خدا دارد، تعمیق و اصلاح می‌کند: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا (اعراف - ۱۷۲)» «و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: چرا، گواهی دادیم».

افزون بر این، دین از طریق انسان کامل که مصداق آن، پیامبر و امامان معصوم هستند، الگوسازی می‌کند. بنابراین باید با بهره‌گیری از تقلید یعنی قرآن کریم و عترت به معرفتی انسان‌شناختی به مثابه یکی از منابع دیدگاه اخلاقی اسلام دست یابیم.

پیش‌فرض دیگر دین این است که ما تا حدودی می‌توانیم به امور خود در جامعه نظم ببخشیم. باز هم قرآن مجید و اهل بیت پیامبر (ص) فهم اجتماعی ما را تا حدودی تأیید و اصلاح می‌کنند. جامعه ما نباید صرفاً بر اساس نیاز به منافع مادی زندگی اجتماعی شکل

گیرد، بلکه باید امتی به وجود بیاوریم که اعضای آن برای جلب رضایت خدا با برادران ایمانی ارتباط داشته باشند. دین در اخلاق چهار نوع نقش می‌تواند ایفا کند که عبارتند از:

۱- ممکن است در تعریف مفاهیم اخلاقی (خوب، بد، درست، نادرست، باید، نباید، وظیفه، فضیلت و رذیلت) از پیش‌فرضها و گزاره‌های دینی استفاده شود.

۲- ممکن است پیش‌فرضها و گزاره‌های دینی موجب اتصاف افعال به محمولات اخلاقی شوند.

۳- ممکن است دین در شناسایی مصادیق ارزش‌های اخلاقی آدمی را یاری کند.

۴- ممکن است دین ضامن اجرای احکام اخلاقی شود (قنبری، ۱۳۷۹: ۳۳۶).

مناسبات ارزش‌های دینی با ارزش‌های اجتماعی:

ارزش‌های دینی با توجه به منشأ پیدایش که همانا وحی الهی است، نه تنها ثابت و تغییر ناپذیرند، بلکه متضمن سعادت بشر در هر زمان و مکان‌اند، ارزش‌های دینی مطلق بوده و برآمده از اراده و مشیت الهی است.

ارزش‌های الهی، قدسی، فرازمانی و فرامکانی‌اند. این ارزش‌ها مبتنی بر فطرت بشر و هماهنگی و هم‌ساز با عالم طبیعت و ماوراءطبیعی، از سوی عالم مطلق ارزانی شده است. این ارزش‌ها از ثبات و دوام طراوت و بالندگی، قداست، انسجام بخشی و مطلق بودن برخوردار است و پیروی از چنین ارزش‌های بالنده‌ای، سعادت و سلامت فردی و اجتماعی را به همراه دارد.

ارزش‌های دینی، آن دسته از باورهایی هستند که در واقعیات نفس‌الامری ریشه دارند که از طریق عقل و یا به کمک وحی کشف شده‌اند. ارزش‌هایی که در وحی ریشه دارند و از طریق انبیا به جوامع انسانی هدیه می‌شود. ارزش‌های دینی منشأ وحیانی دارد و با ارزش‌های اجتماعی متفاوت است. ولی این گونه نیست که به لحاظ مقبولیت نتواند صفت اجتماعی شدن را به دست آورد. به دیگر سخن، دینی بودن ارزش‌ها به معنای ناتوانایی آن در اجتماعی شدن نیست، چه بسا ارزش‌های دینی که پذیرش همگانی دارند و اجتماعی نیز هستند مانند حجاب اسلامی که پس از انقلاب اسلامی، در جامعه ایرانی فراگیر شد، بنابراین، دینی بودن ارزش‌ها با اجتماعی شدنشان منافاتی ندارد (مریجی،

۱۳۸۳: ۳۲). ویژگی‌های ارزش‌های دینی عبارت است از:

۱- ثبات و دوام ۲- طراوت و بالندگی ۳- قداست ارزش‌های دینی ۴- انسجام بخشی ارزش‌های دینی ۵- ارزش‌های دینی مطلق است.

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ای که ارزش‌های دینی را از ارزش‌های اجتماعی متمایز کرده است، مطلق بودن ارزش‌های الهی است در حالی که ارزش‌های اجتماعی، نسبی‌اند، و اگر برخی از ارزش‌ها در همه جوامع یکسان است، آن دسته از ارزش‌هایی است که بشر با تکیه بر عقل خدادادی‌اش که ما آن را یکی از ابزار کشف اراده الهی می‌دانیم بدان دست یافته است (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۹۳). در این صورت نیز می‌توان آن را ارزش دینی به شمار آورد، منتهی نه ارزشی که با واسطه انبیاء و از طریق وحی بر جوامع بشری هدیه داده شد. آن دسته از ارزش‌های اجتماعی‌ای که در ذوق و امیال افراد ریشه دارد و تعدادش نیز بسیار است، نسبی‌اند، یعنی در زمان یا مکان خاصی ارزش بوده و در جای دیگر جایگاهی ندارد.

ولی ارزش‌های دینی که یا به واسطه وحی بر جوامع بشری تزریق شده باشد، یا به واسطه عقل کشف شده باشد مطلق است، یعنی در هر مکان و زمانی ساری و جاری‌اند و تغییر و تبدلی در آن راه ندارد، زیرا در رأی و علم الهی که منشأ پیدایش ارزش‌های الهی‌اند، تبدل راه ندارد، ولی زمان و مکان سبب تغییر در ارزش‌های اجتماعی، می‌گردد. چون علم انسان محدود است و زمان و مکان در آن تأثیر دارد.

ارزش‌های اجتماعی دین اسلام:

مبانی فرهنگی و ارزشی اسلام به عنوان یک نظام و الگو، و اجرای آن توسط افراد جامعه می‌توان به اهمیت و ضرورت بررسی ارزش‌های اسلامی در اثربخشی فرد و جامعه پی برد. لذا ارائه ارزش‌های اسلامی به صورت یک الگو و اجرای آن توسط افراد، متضمن رستگاری فرد و جامعه در دنیا و آخرت است. چون اسلام تنها دینی است که برای انسان قبل از تولد و بعد از آن تا زمان مرگ و حتی بعد از آن هم برنامه دارد. البته تبیین ارزش‌های اسلامی به تنهایی موجب سعادت و کمال انسان و جامعه نمی‌گردد، بلکه ارزش و اعتبار آن به فراگیری صحیح و عمل به معارف و معیارهای آن است که غایت

مطلوب (سعادت دنیا و آخرت) را حاصل می‌نماید. بنابراین در سایه اجرای صحیح معارف و ارزش‌های اسلامی است که جامعه پویا می‌گردد.

اگر کسی معرفت دینی یافت و دین وارد زندگی او شد، بینش او نیز بینش دینی می‌شود. در نتیجه می‌کوشد در تمامی ابعاد زندگی‌اش دین را عملی سازد رفتار خود را برابر ارزش‌های الهی کند. در این مرحله فرد خود و خواسته‌های نفسانی خود را بر ارزش‌های دینی‌اش مقدم نمی‌کند، بلکه به عکس حتی جان خود را فدای ارزش‌های الهی می‌کند.

شک نیست که اسلام تنها دینی است که اساس آیین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است و در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتنا نبوده است و تمام احکام و مقررات را نیز در یک قالب اجتماعی بیان داشته و تا آن جا که ممکن بوده است، روح اجتماعی را در جمیع احکام و مقررات خود تنفیذ نموده است.

اعتقادات مذهبی اکثریت اعضاء یک جامعه، در قالب قواعد، هنجارها، و سمبل‌های تعیین شده از سوی نظام مذهبی انجام می‌گیرد. این هنجارها و سمبل‌ها ممکن است از نظر منطقی و کارکردی کاملاً پاسخگوی نیازهای زمان نباشند و حتی با آن مغایر باشند، اما در هر صورت در تنظیم نظام اعتقادی و در نتیجه در تنظیم روابط اجتماعی در درون یک نظام اجتماعی بسیار مؤثرند.

شاخص‌هایی که در مجموع می‌تواند معرف و نمایانگر وضعیت ارزش‌ها در جامعه باشد، برگرفته از محورها و اصول اصلی ارزش‌های اجتماعی اسلام و برخاسته از اهداف و غایات انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. این شاخص‌های هشت‌گانه، عبارت است از: (ذوعلم، ۱۳۷۹: ۷۸)

- ۱- ارزش‌های انسانی، عاطفی و رفتاری متقابل بین آحاد و اعضای جامعه. ۲- ارزش‌های اخلاقی و رفتاری شخصی و فردی در جامعه ۳- ارزش خاص دینی و عبادی. ۴- ارزش‌های تربیتی و فرهنگی و میزان اهتمام اعضای جامعه به این امور. ۵- همگرایی سیاسی جامعه و میزان پیوند دولت با مردم. ۶- احساس آزادی سیاسی و اجتماعی و میزان تحقق آن. ۷- مشارکت اجتماعی و سیاسی و اهتمام اعضای جامعه بدان. ۸- حس اعتماد به نفس و اقتدار

و استقلال ملی.

بدون شک هر انسان و یا جامعه‌ای فطرتاً خواهان آن است که موجود با ارزش و پرافتخاری باشد، به همین دلیل باتمام وجود در جهت شناخت و کسب ارزش های حقیقی که مبتنی بر ارزش های اسلامی است تلاش می‌نماید. حاکمیت ارزش های اسلامی در جامعه، شناخت و تحصیل این‌گونه ارزش ها را برابر افراد آسان می‌نماید. به منظور حاکمیت ارزش های اسلامی مؤثر در اثربخشی و بهره‌وری افراد جامعه، باید چهار مرحله به طور متوالی و پی در پی طی گردد:

۱. شناسایی، تبیین و معرفی ارزش های اسلامی

۲. آموزش ارزش های اسلامی به افراد جامعه (دوره انتقال ارزش ها)

۳. نحوه اجراء ارزش های اسلامی توسط افراد در جامعه

۴. همگانی شدن ارزش های اسلامی در افراد جامعه

آخرین مرحله از بررسی روشهای حاکمیت ارزش های دینی مؤثر در اثربخشی، نحوه همگانی شدن ارزش های اسلامی در جوامع است که با اجرای کامل ارزش های توسط افراد عمل می‌شود. بعد از شناخت، تبیین و تدوین ارزش های اسلامی و تبلیغ و آموزش و اجرای آن توسط افراد، این اصل که عالم محضر خداست و خداوند ناظر و حاکم و آگاه بر همه اعمال و رفتار و نیات انسان خواهد بود، ملکه می‌شود. با عینیت یافتن این معیار که عالم محضر خداست، زمینه عمومی شدن ارزش های اسلامی فراهم گردیده و ارزش های اسلامی فرهنگ دینی جامعه خواهد شد.

حاکمیت ارزش های اسلامی در بین افراد و قرار گرفتن آن در بطن فرهنگ جامعه،

تأثیراتی بر جای خواهد گذاشت که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱. با اجرای ارزش های اسلامی در جامعه، افراد نه تنها نسبت به اعمال و رفتار خود

بلکه در رفتار با دیگران نیز احساس مسئولیت نموده، سعی می‌کنند در چارچوب و ضوابط اسلامی فعالیت نمایند.

۲. در جامعه‌ای که ارزش های اسلامی حاکم است، افراد در انجام اعمال و رفتار

خود در برابر خدا نیز احساس مسئولیت کرده و چارچوب ضوابط و ارزش های اسلامی

فعالیت می نمایند. مسئولیت در برابر خدا یعنی مسئولیت در برابر همه چیز، مسئولیت نسبت به آنچه که باید و یا نباید انجام داد.

۳. در جامعه اسلامی هر فرد را عضوی از جامعه می داند و از آن نیز تأثیر می پذیرد. طبیعی است که سالم بودن جامعه‌ای که فرد از آن تأثیر می گیرد به سلامت فرد نیز کمک خواهد کرد. چرا که حفظ سلامت فرد در جامعه فاسد بسیار دشوار است.

۴. در جامعه اسلامی علاوه بر اینکه برنامه‌ریزان اجتماعی رفتار انسان را کنترل و ارزیابی می نمایند، خود افراد نیز اعمال و رفتار خود را کنترل می نمایند. زیرا نسبت به خود، جامعه و خدا احساس مسئولیت می کنند.

۵. در جامعه اسلامی مبنای سنجش اعمال افراد، خلوص نیت آنها است به طوری که هر چه اعمال خالص تر و با نیت الهی انجام گیرد مطلوب تر خواهد بود.

۶. بر مبنای اصول ارزشی اسلام، توبه موجب می شود تا فرد و جامعه در مسیر تکامل قرار گیرند. بنابراین هرچه فرد از گناه دورتر باشد به همان اندازه در جهت پویایی سریع تر پیش خواهد رفت.

بدین ترتیب با همگانی شدن ارزش های اسلامی و با الگوی قرار گرفتن جامع ترین افراد بشر (پیامبران و ائمه معصومین) انسان و جامعه در مسیر تکامل قرار خواهند گرفت و جامعه‌ای پویا ایجاد خواهند نمود.

ارزش های اجتماعی دارای دو مبنا هستند: مبنای اول، بینش‌ها و مبنای دوم، گرایش‌ها. هر ارزشی از یک پایه بینشی و نگرشی و یک پایه گرایشی ساخته می شود. از انضمام این دو، ارزش به وجود می آید. ارزش واسطه‌ای بین بینش و گرایش انسان با کنش اوست گرایش‌ها و میل‌هایی در ما برانگیخته می شود. از انضمام و به هم پیوستن این ارزش منشأ کنش اختیاری در انسان می شود، یعنی ارزش موجب می شود که انسان در هنگام عمل، چیزی را برگزیند. بنابراین، آن چه شکل کنش ما را می سازد و به افعال ما جهت می دهد در حقیقت، ارزش‌هایی است که آنها را پذیرفته‌ایم. منشأ این ارزش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌هایی است که زیربنای آنها را می سازد (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۷).

نتیجه‌گیری:

آنچه می‌توان نتیجه گرفت این که دین اسلام نیرومندترین عنصر تعیین‌کننده در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود که خط سیر کنش و اعمال افراد را در جامعه نمایندگی، هدایت، کنترل و نظارت می‌کند و همچنین به مثابه الگوی رفتاری نسبتاً ثابتی هستند که پیوسته از سوی افراد جامعه بازبینی و کنترل و نظارت می‌شوند.

از سوی دیگر ارزش‌ها جزو اصلی سازنده فرهنگ به شمار می‌روند که ثبات یا تغییر آن‌ها موجب ثبات یا تغییر فرهنگ‌ها در جوامع در طول زمان و مکان می‌شوند و به طبع آن ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این‌رو، پی بردن به نظام ارزشی جامعه، ما را با عناصر فرهنگی آن جامعه که سوق‌دهنده کنش و رفتار افراد است آشنا می‌کند. هم‌طور که نظام شخصیتی هر جامعه در بطن نظام ارزشی آن جامعه نهفته است و با کسب آگاهی و بینش درباره این نظام ارزشی می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر آن بر نظام شخصیتی آن جامعه دست یافت. و این نظام ارزشی، الگوهای، شناختی، عاطفی، رفتاری، عینی، ذهنی پایداری هستند که مطلوبیت آن‌ها از سوی افراد جامعه برای مدت زمان معینی پذیرفته و به مثابه راهنمای اعمال انسان‌ها عمل می‌کند. افراد جامعه درباره آن‌ها توافق نسبتاً زیادی دارند و از خود و اطرافیان انتظار دارند که این ارزش‌ها را مطلوب دانسته و مطابق با آن‌ها رفتار نمایند.

بنا بر این با تحلیل جامعه‌شناختی می‌توان گفت اگر طراحی عوامل کسب نظام ارزش‌ها و سازوکارها نظام ارزشی اسلام متناسب با ارزش‌های دینی باشد و تطابق بین ارزش‌های دینی و ارزش‌های اجتماعی ایجاد شود، هم‌گرایی و هم‌نواپی در جامعه به وجود می‌آید، و بستر کاهش آسیب‌ها اجتماعی را فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

- ۱- آقاپیروز، علی، (۱۳۷۹)، خودکنترلی در مدیریت با نگرش به منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی دینی*، تهران: انتشارات سخن.
- ۳- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۹)، *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴- ذوعلم، علی، (۱۳۷۹)، *انقلاب و ارزش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرکز نشر آثار.
- ۵- طالبیان، یحیی، (۱۳۸۰)، «نگاهی به تعریف و تحول ارزش‌ها»، *جامعه و فرهنگ*، (مجموعه مقالات)، ج سوم، تهران: انتشارات آرون.
- ۶- علی‌احمدی، علی‌رضا، (۱۳۸۴)، *مبانی و اصول مدیریت اسلامی*، تهران: انتشارات تولید دانش.
- ۷- قرآن کریم.
- ۸- قنبری، اکبر، (۱۳۷۸-۹)، *مبانی ارزشی نظام اقتصاد اسلامی*، نقد و نظر، سال ۶، شماره اول و دوم.
- ۹- لگنهاوسن، محمد، (۱۳۸۳)، *سیاحت اندیشه در سپهر دین*، ترجمه گروهی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۰- محمدخلیفه، عبداللطیف، (۱۳۷۸)، *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه سیدحسن سعیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۷)، *فلسفه اخلاق*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۵)، *ارزش‌های اسلامی در مدیریت*، معرفت، شماره ۱۷، سال پنجم، شماره اول، تابستان.
- ۱۳- مظاهری، حسین، (۱۳۷۵)، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی*، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر ذکر.
- ۱۴- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۴)، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- همیلتون، ملکم، (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- 16- Albert, Ethel M. (1956) *The classification of values, A method and illustration American Anthropologist, New series.*